

دبیرکل خانه پرستار:

به جرات می‌گویم که بیماران به دلیل کمبود پرستار، جان می‌دهند

دبیرکل خانه پرستار در ایران از «کمبود جدی» پرستار خبر داد و گفت: «به جرات می‌گویم که بیماران به دلیل کمبود پرستار جان خود را از دست می‌دهند.» به گزارش خبرنگاران، محمدشرفی مقدم افزود: «گرشماز بیماران و مراجعان چیزی نمی‌شنوید دو دلیل دارد یا آگاه نیستند و یا این که مظلوم هستند و کمبودها را می‌پذیرند.» به گفته وی، سالانه بیش از ۳ هزار پرستار از کشور مهاجرت می‌کنند اما وزارت بهداشت حتی اندازه همین آمار به کادر درمان اضافه نمی‌کند.

ابطال موافقتنامه

احداث پتروشیمی میانکاله

معاون برنامه‌ریزی وزارت نفت از ابطال موافقتنامه احداث «پتروشیمی میانکاله» به دلیل عدم اخذ مجوز زیست‌محیطی و ناترازی گاز طبیعی در کشور خبر داد. به گزارش ایرنا، هوشنگ فلاحتیان، معاون برنامه‌ریزی وزارت نفت در نامه‌ای خطاب به مدیرعامل شرکت صنایع پتروشیمی گهرمان‌نادران (نام جدید شرکت متقاضی احداث پتروشیمی میانکاله که با نام صنایع پتروشیمی امیرآباد مان‌نادران فعالیت می‌کرد) انقضای موافقتنامه‌ای وزارت نفت با احداث پتروشیمی میانکاله را اعلام کرد.

وزیر آموزش و پرورش:

کتاب درسی باید متناسب با جنسیت دختران و پسران متفاوت شود

وزیر آموزش و پرورش گفت: با توجه به سندن تحول بنیادین آموزش و پرورش، کتاب درسی باید متناسب با جنسیت دختران و پسران متفاوت شود. رضاصحرا، افزود: باید فرهنگ حیا را در سراسر جامعه نهادینه کنیم. وی با اشاره به این که سندن تحول بنیادین «سند نظام تعلیم و تربیت» است، یادآور شد: هر چند وضعیت مدارس و دانش‌آموزان در ایران به نسبت کشورهای دیگر به مراتب بهتر است، اما آن چه انقلاب از ما می‌خواهد خیلی فراتر از آن است.

تغییر نام شب‌بلا و چهارشنبه‌سوری

در تقویم رسمی ایران

بر اساس مصوبه‌ای که ۱۸ مهر ۱۴۰۲ در تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده است، از سال ۱۴۰۳ در تقویم رسمی ایران، شب‌بلا با عنوان «روز ترویج فرهنگ میهمانی و پیوند با خویشان» و چهارشنبه‌سوری با عنوان «روز تکریم همسایگان» نامگذاری خواهد شد.

هشدار افزایش آلودگی هوا

در ۹ شهر ایران

شهرهای تهران، اراک، مشهد، اهواز، قم، کرج، تبریز، اصفهان و سمنان در معرض افزایش آلودگی هوا قرار دارند. به گزارش تسنیم، «افزایش غلظت آلاینده‌های جوی همراه با تابش و کاهش کیفیت هوا» باعث بروز «افزایش غلظت آلاینده‌ها، افزایش شاخص آلودگی هوا در حد ناسالم برای گروه‌های حساس و در صورت عدم مهار منابع آلاینده (ثابت و متحرک) در مناطق پرتردد ناسالم برای تمام گروه‌ها» خواهد بود.

افزایش شمار کشته‌شدگان

مرکز ترک اعتیاد لنگرود به ۳۶ نفر

رئیس دانشگاه علوم پزشکی گیلان خبر داد که با جان باختن یکی دیگر از مجروحان آتش‌سوزی مرکز ترک اعتیاد لنگرود شمار قربانیان این حادثه به ۲۶ نفر رسید. به گفته محمدتقی آشوبی، این فرد ۴۵ ساله با ۷۰ درصد سوختگی در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان تخصصی سوختگی ولایت‌رشت بستری بود. به گفته وی، یک مجروح دیگر در ای‌سی‌یو دچار مجروح در این بیمارستان بستری هستند.

ادامه خروج گسترده افغان‌ها از ایران

فرمانده هنگ گذر مرزی زابل گفت: ۲ هزار و ۳۴۲ تنه غیرمجاز از طریق گذر مرزی میلک به کشور افغانستان انتقال داده شدند. به گزارش ایسنا، سرهنگ «پرویز قاسم زاده» با تقدیر از تلاش همه‌تیرهای انتظامی و امنیتی در دستگیر اتباع غیرمجاز در سطح کشور گفت: تعداد ۲ هزار و ۳۴۲ تنه افغان که در اقصی نقاط کشور به دلایلی همچون ورود غیر قانونی، اقامت غیر قانونی و یا پایان اعتبار گذرنامه دستگیر شده بودند، از طریق دروازه گذر مرزی میلک به کشور افغانستان انتقال داده شدند.

چرا صداوسیما حتی تحمل دوستان انقلابی خود را هم ندارد؟

برنامه‌های معلق در افق انحصار

ابراهیم فاطمی

این روزها خبر اول و آخر بیشتر رسانه‌های جهان، وقایع تلخ غزه و جنایت علیه بشریت در این باریکه است. اما در ایران، دیروز یک خبر دیگر مرتبط با فلسطین هم، حسابی افکار عمومی را تحت تأثیر قرار داد: تغییر تیم‌سازنده بهترین برنامه‌ها توسط فلسطین در صداوسیما. برنامه‌ای که مهدی عرفاتی سردبیرش بود و محمد رضا شهیدی فر د هم، از کارگردانان آن. اما چرا این برنامه تعطیل یا تعدیل شد و چرا این ماجرا، چنین خبر ساز شد؟

صداوسیما فشل

البته در ابتدا باید کمی عقب‌تر برگردیم. همین چند هفته پیش، یکی از روزنامه‌نگاران اصولگرا، کنایه‌ای به صداوسیما زد و نوشت: «در این چند روز، برای پیگیری اخبار غزه، چندباری به شبکه خبر مراجعه کردم و هر بار دیدم اخبارش پخش مستقیم شبکه الجزیره است. این در حالی است که شبکه الجزیره عربی حدود ۱۸۰ کارمند دارد و صداوسیما ما حدود ۳۰ هزار کارمند!»

این اظهار نظر در کانال «باشگاه روزنامه‌نگاران ایران» نیز منتشر و باعث شد تا صداوسیمایی‌ها از طریق کانال شبکه العالم، پاسخ دهند. در پاسخی که به این کانال ارسال شد، آمده بود: «در خصوص سستی که امروز در کانال منتشر شد و همکار گرامی آقای احسان تقدسی شبکه خبر و صداوسیما را با شبکه الجزیره مقایسه کرده بود، توضیحاتی عرض می‌کنم: در خصوص پوشش خبری شبکه خبر و خبرگزاری صداوسیما همکاران گرامی ما در این واحد باید نظر خودشان را عنوان کنند. اما در خصوص شبکه العالم که به نحوی متعلق به صداوسیماست، با توجه به بضاعت موجود، فعالیت‌های گسترده‌ای انجام شده از جمله به پوشش لحظه به لحظه و زنده تحولات غزه و جنوب لبنان پرداخته‌ایم.» بعد هم اشاره کرده که ما چند خبرنگار داشتیم و دفتر العالم در غزه تخریب شد و ...

استیصال رسانه ملی در بزنگاه

بعد از تسویه حساب‌هایی که در صداوسیما صورت گرفت، بخش بزرگی از سلب‌ریتی‌ها و برنامه‌سازان و مجریان نام‌اشنا و حرفه‌ای، این سازمان عریض و طویل را ترک گفتند. این‌ها، باعث

شد تا صداوسیما بیش از پیش، دچار ضعف و استیصال شود. این ضعف در بزنگاهی چون تقابل حماس و اسرائیل و کشتارهای دسته‌جمعی در غزه، خود را بیشتر نشان داد. معروف است که یهودی‌های صهیونیست در رسانه‌های جهان نفوذ زیادی داشته و بخش بزرگی از بدنه رسانه‌ای جهان را در اختیار دارند. با عطف به قدرت اقتصادی و سیاسی این طیف، حتی رسانه‌های دیگر نیز غالباً به سمت آن‌ها عیش می‌کنند تا اطلاع‌رسانی سوگیرانه داشته باشند. البته اخیراً شبکه‌هایی چون المنار، که واقف به اهمیت کار رسانه‌ای در جنگ شده‌اند، دارند خوب کار می‌کنند. اما در صداوسیما، ظاهراً هنوز در بر همان پاشنه قدیمی‌اش می‌چرخد؛ مستقیم‌گویی و شعارزدگی و برنامه‌های سطح پایین.

دیده شدن در شبکه کم

این البته به معنای نبود نیروهای حرفه‌ای در این مجموعه نیست. اخیراً برنامه «به وقت فلسطین»، از شبکه‌ای پخش شد که چندان هم پرریننده نبود؛ شبکه افق که مربوط به سازمان اوج و سپاه است. این برنامه به واسطه حضور افرادی حرفه‌ای، حسابی پرریننده و اثرگذار ظاهر شد. حتی حضور افرادی چون آذری جهرمی و ابطی و ...، باعث شد تا حمله‌هایی هم توسط تندر وها به صداوسیما صورت بگیرد. این برنامه به قدری خوب دیده شد که حتی پیمان جبلی، رئیس سازمان صداوسیما هم مهمان آن شد تا از نقش رسانه در چنین مواردی بگوید؛ که البته خود از عجایب روزگار بود. فردی که رسانه ملی را دچار چنین وضعیتی کرده، آمده تا برای مان از نقش رسانه بگوید!

بعد از تسویه حساب‌هایی که در صداوسیما صورت گرفت، بخش بزرگی از برنامه‌سازان و مجریان نام‌اشنا و طویل را ترک گفتند. این‌ها، باعث شد تا صداوسیما بیش از پیش، دچار ضعف و استیصال شود که این ضعف در بزنگاهی چون تقابل حماس و اسرائیل و کشتارهای دسته‌جمعی در غزه، خود را بیشتر نشان داد

اما در حالی که صداوسیما ترک عادت کرده بود و بخش‌های مهمی از این برنامه هم به شدت و ایرال می‌شد، ناگهان همان اتفاقی که انتظارش را هم داشتیم، افتاد: خداحافظی ناگهانی با عوامل برنامه! بله، به همین راحتی. البته عرفاتی، خیلی محترمانه گفت که از آن‌ها خواسته‌اند برنامه را به تیم بعدی تحویل بدهند؛ اما در مجامع رسانه‌ای از واژه «خراج» استفاده شده تا بگویند که به واقع این تیم، از شبکه افق اخراج شده‌اند تا این برنامه دیده شده و برند شده، عملاً به عنوان لقمه‌ای حاضر و آماده، تحویل تیم بعدی شود؛ اتفاقی که صداوسیما در آن‌ها ظاهر استاد است. البته بنابر توضیح رسمی شبکه افق، «تیم محترم تولید این برنامه» خود تصمیم به توقف تولید گرفته است! حتی نیمچه گلایه‌ای هم کرده که چرا الان باید این تیم قطع همکاری کند. البته این‌ها را می‌توان به حساب تعارف‌های معمول و مرسوم گذاشت؛ اتفاقی که در ابتدا برای برنامه نود فردوسی پور هم افتاد، ولی آخرش فهمیدیم که قصه چه بود.

باز هم در دسرهای ظریف و روحانی

گفته شده که تیم تولید سابق برنامه، حتی در صدد دعوت از محمدجواد ظریف و حسن روحانی هم بوده‌اند تا در آنتن زنده، از فلسطین و وقایع آن بگویند؛ اتفاقی که زیاد به قیافه صداوسیما و حتی شبکه افق نمی‌آمد. به افق فلسطین، البته نشان داد که ظرفیت‌های موجود در صداوسیما، به قدری هست که بتواند بهترین برنامه‌ها را با کمترین امکانات تولید کند؛ اما ظاهراً نگاه‌ها و فشارهای درون‌سازمانی و برون‌سازمانی، چنین اجازه‌ای نمی‌دهد. همین حالا هم حرف و حدیث‌های زیادی از درگیری‌های تیم جبلی و جلیلی و ... وجود دارد که قصه‌اش مفصل است. بخشی از این کشاکش نیروها و قدرت در صداوسیما را در ماجرای محمد رضا شهپازی، مجری جنجالی صداوسیما دیدیم؛ که از اجرا خداحافظی کرده بود ولی باز هم به برنامه‌اش برگشت. که به نوعی نشان از کشمکش‌های درونی صداوسیما داشت.

تنگ‌نظری مدیران رسانه‌ای

تغییر تیم تولید «به افق فلسطین»، در ابتدا نشان داد که بزرگترین مشکل صداوسیما، در ابتدای امر کوتاه‌بینی و تنگ‌نظری

مدیران و همچنین افراد اثرگذار بر آن است؛ افرادی که اساساً نگاه‌شان به رسانه، نگاه دهه شصتی است. و این که با چنین وضعیتی، نه تنها ایران در عرصه اثرگذاری جهانی رسانه، دست‌کم در حوزه مسائل فلسطین غایب خواهد بود، که حتی در عرصه داخلی هم حرفی برای گفتن ندارد و عاجز از اقع مخاطبان است. اما با همه این‌احوالات، صداوسیما به حدی قدرت دارد که خواهد با قانون‌های تاریخ مصرف گذشته و حتی فراتر از قانون، رقبایی چون پلتفرم‌های صوت و تصویر را از میدان به‌در کند.

باز تاب‌های یک تغییر

تغییر تیم تولید این برنامه، در شبکه‌های اجتماعی و مجامع رسانه‌ای واکنش‌های زیادی را به دنبال داشت. اولین نقد هم، به خالص‌سازی مربوط می‌شد. آذری جهرمی در این باره نوشت: «نیت پاک و صادقانه، غیرت دینی و عزم راسخ برای حمایت از مردم فلسطین در تک‌تک اعضای برنامه به افق فلسطین موج می‌زد. ظاهراً موج خالص‌سازی به ساحل خالص‌ترین شبکه‌ی صداوسیما هم رسید!» و تلویزیون هم نوشت که «طبیعی بود این برنامه را از این تیم فعلی بگیرند و به تیم بعدی بدهند؛ چون این برنامه تا همین‌جا هم برای شبکه افق زیادی فخر بود.» اما یکی از شگفت‌انگیزترین واکنش‌ها را روحانی‌جنجالی، حمید رسایی، داشت. او گفت که این برنامه قصد داشته ظریف و روحانی را هم دعوت به مصاحبه کند. بعد کنایه زده که

این دیگر به افق فلسطین نمی‌شد و به افق انگلستان و به افق آمریکا می‌شد و واقعا تیم قبلی مردم را چی فرض کرده‌اند. البته علی‌صدری‌نیا، از فعالان رسانه‌ای نام‌آشنای اصولگرا هم جواب رسایی را خیلی قاطع داد که: «فارغ از دروغ‌های این فرد درباره مهمانان برنامه، حتماً برای همه عوامل سابق برنامه به افق فلسطین باعث افتخار است که فردی که روزی به حاج قاسم، ابوموسی اشعری می‌گفت، مخالف برنامه‌شان باشد!»

در حالی که صداوسیما ترک عادت کرده بود و بخش‌های مهمی از برنامه «به افق فلسطین»، هم به شدت و ایرال می‌شد؛ ناگهان همان اتفاقی که انتظارش را هم داشتیم، افتاد: خداحافظی ناگهانی با عوامل برنامه و تغییر تیم تولید!

این رسانه‌های اشغالی

و البته یکی از خاص‌ترین واکنش‌ها را هم یونانفر، مداح معروف داشت که نوشت: «تا اطلاع ثانوی همین است؛ در رسانه اشغالی، عزیزها برنده‌اند نه قاسم‌ها! بماند بقیه‌اش...» سیدمحمد رضوی، از نزدیکان قاسم‌احمد خود هم سابقه تهیه‌کنندگی و کار رسانه‌ای داشته، نیز نوشت: «یکبار به عزیزتی عرض کردم آن طرف در حداقل اشتراکات با هم اتحاد و کار می‌کنند اما این طرف اینقدر



در گیر خالص‌سازی می‌شوند که در اشتراک حداکثری یکدیگر را تحمل نمی‌کنند! این غم بزرگی است که بگویند؛ شبکه و ایستگاه به یک نهاد انقلابی، سازمان برنامه‌ساز همان نهاد را تحمل نکرد!»

رد پای پایداری چی‌ها؟

نکته جالب این‌که در این فقره نیز، بیشترین واکنش‌های منفی را طیف معروف به اصولگرا و حزب‌اللهی داشتند که معتقد بودند حتی در این حد نقد‌پذیری هم وجود نداشته و ندارد. نکته بعدی هم آن بود که در بخشی از واکنش‌ها، رد پای پایداری چی‌ها هم به میان آمده بود که احتمالاً کنایه‌ای به امثال جلیلی و ... بوده است. اما هر چه که هست، همان بحث خالص‌سازی و ذهنیت‌های دهه شصتی در حوزه رسانه است. به قول معروف، تنها چیزی که برای صداوسیما مهم نیست، مخاطب است. به واقع در این جا با مدیرانی روبه‌رو هستیم که بیشتر از مخاطب و اثرگذاری رسانه‌ای و حضور در بازی رسانه‌ای جهانی، حفظ میزبان را مدنظر دارند. این جاست که آدم یاد آن نقل قول معروف مدیرعامل بزرگترین مجموعه رسانه‌ای مکتوب کشور، سال‌ها پیش، می‌افتد: «هر غلطی می‌خواهید بکنید فقط مرا به دادگاه نکشاند!» ظاهراً این‌جا هم دعاهای آن مدیران کونه‌اندیش وجود دارند که ترسشان این است: هر غلطی می‌خواهید بکنید، فقط در دسر نسازید و میزبان را به خطر نیندازید؛ حالا می‌خواهد چه رسانه‌ای طرفدار فلسطین ضعیف بشود یا نشود...

از همان ابتدای اجرایی شدن پروژه، اعتراض‌ها به این بارگذاری جدید شروع شد. سال ۹۲ شورای عالی آب در یک مصوبه ۹ ماده‌ای هر گونه بارگذاری جدید بر روی زاینده رود را ممنوع کرد، حتی برای شرب. با این حال کارگران در پروژه‌های انتقال آب همچنان مشغول کار بودند. فعالان محیط زیست اصفهان می‌گویند این طرح پیش از انجام ارزیابی محیط زیستی کلید خورده. وزارت نیرو هم در این پروژه، منبع تامین آب را مشخص نکرده. مردم و فعالان محیط زیست اصفهان سال ۹۶ برای جلوگیری از اجرایی شدن این پروژه شکایتی را به دیوان عدالت اداری بردند. با وجود صدور یک حکم برای توقف موقت پروژه این طرح انتقال آب همچنان بودجه گرفت و پیشرفت کرد. نیم‌بیشتر پروژه، از سال ۱۴۰۰، یعنی بعد از حکمی که به تایید دیوان عدالت هم رسیده تکمیل شد. باید پرسید چه دست‌هایی پشت پرده بوده که حکم توقف کامل پروژه را تعیین رای نهایی صادر نشده؟ آن هم طرحی که به گفته کارشناسان توجیه محیط زیستی و اقتصادی ندارد. دولت وظیفه دارد آب شرب مردم چهارمحال و بختیاری را تامین کند، اما به نظر می‌رسد برای این کار راه غلطی را انتخاب کرده.

عصر ایران؛ فرزانه احمدی - یک بارگذاری دیگر باید اتفاق می‌افتاد تا زنده رود را به مرده رود تبدیل کند که حالا دارد اتفاق می‌افتد. باید پرسید چه دست‌هایی پشت پرده بوده که حکم توقف کامل پروژه را تعیین رای نهایی صادر نشده؟ آن هم طرحی که به گفته کارشناسان توجیه محیط زیستی و اقتصادی ندارد. احتمالاً ابراهیم رئیسی به زودی پروژه انتقال آب از بن به بروجن را افتتاح خواهد کرد اما پس از آن باید برای همیشه با احیا مهم‌ترین رود مرکزی ایران خداحافظی کرد. یک بارگذاری دیگر باید اتفاق می‌افتاد تا زنده رود را به مرده رود تبدیل کند که حالا دارد اتفاق می‌افتد. طرح انتقال آب از بن به بروجن یعنی از حوضه کم آب زاینده رود به حوضه پر آب کارون در سال ۹۱ کلید خورد. قرار است سالانه ۴۱ میلیون متر مکعب آب را از بن به شهرهای سامان، فرخ‌شهر، سفیددشت، شهر کرد، فردانیه و بروجن برساند، با پیامی در از تفاعات. می‌گویند برای شرب ۱۳ روستا و ۱۳ شهر. شهرهایی که سال‌هاست مشکل تامین آب شرب دارند. در این سوا ما زاینده رود هم بیشتر از ۲۰ سال است که در نتیجه‌ی مصرف زیاد آب، بیشتر از توان رودخانه خشک شده.

می‌خواهند بیش از ۴۰ میلیون متر مکعب آب دیگر هم از این رودخانه بردارند

زدن میخ آخر بر تابوت زاینده رود

